

مطالعه تطبیقی مکان‌گزینی دو پایتخت شیعی در قرن چهارم هجری قمری:

شیراز بویه‌یی و حلب حمدانی

آرمین دخت امین، فاطمه جان‌احمدی*، رضا شعبانی

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران / ایران، دانشیار

دانشگاه تربیت مدرس، استاد دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: (۹۵/۰۳/۰۵) تاریخ پذیرش: (۹۵/۰۵/۰۲)

Comparative Study on Locating Two Shiite Capitals in the Fourth
Century AH: Shiraz-e Buyehi and Halab-e Hamdani

Armindokht Amin, Fatemeh Jan-Ahmadi*, Reza Shabani

Ph.D student of The Islamic History at Islamic Azad University sciences & Researches Branch/ Tehran/ Iran, Associate
professor of the Department of History at Tarbiyat Modarres University, Professor at Shahid Beheshti University

Received: (2016/05/25)

Accepted: (2016/07/23)

Abstract

In the fourth century AD, the Islamic world is faced with a multiplicity of capitals that each of them plays an important role in political and cultural areas. The vast geography, the need for survival of independent and semi-independent Islamic governments and increased political, economic, military and even religious competition resulted in being changed some different cities into particular capitals in the Islamic world. Among the capitals of the same levels, two Shiite capitals of the Islamic world, Shiraz as the capital of Buyehian and Halab as the capital of the Hamdanids were examined in this study due to their considerable similarities and differences. The temporal coincidence, and the coincidence of the religious views, similar cultural activities, and great fame of Azad od-Dowleh-ye Buyehi and Seyf od-Dowleh-ye Hamdani, as rulers of these capitals, are considered as their common similarities among other concurrent governments of the fourth century. Another important aspect of similarities and differences between these two capitals is factors affecting their locating and the important roles of these capitals in the Islamic civilization of the fourth century. Therefore, in this study, the author aims to investigate the factors affecting the locating of capital of Azad od-Dowleh-ye Deylami in Shiraz in detail using descriptive method. Then, through using comparative method, we compare the factors affecting the locating of capital of Seyf od-dowleh-ye Hamdani in the city of Halab with these factors. This article investigates the similarities and differences of Shiraz and Halab as the capitals of Azad od-Dowleh-ye Deylami and Seyf od-dowleh-ye Hamdani. This article concluded that although the reasons for the selection of these two capitals are similar in many of the cases, role and importance of each of the capitals were different in the fourth century.

Keyword: Buyehian, capital, the selection of the capital, Shiraz, Hamdani's Sham, the fourth century.

چکیده

جهان اسلام در قرن چهارم هجری با تعدد پایتخت‌هایی مواجه است که هریک از آنها در عرصه سیاسی و فرهنگی به جد نقش‌آفرین هستند. جغرافیای وسیع، لزوم بقای دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل اسلامی و بالاگرفتن رقابت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی مذهبی موجب شد تا برخی از شهرهای سیاسی به پایتختی مطرح در جهان اسلام تبدیل شوند در میان پایتخت‌های هم‌تراز دو پایتخت شیعی جهان اسلام، شیراز به عنوان پایتخت بویه‌ییان و حلب به عنوان پایتخت حمدانیان، به دلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های درخور توجه، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تقارن زمانی، تقارن دیدگاه‌های مذهبی، فعالیت‌های مشابه فرهنگی و نام و آوازه بلند عضدالدوله بویه‌یی و سیف‌الدوله حمدانی، امرای حاکم بر این دو پایتخت، در میان سایر حکومت‌های متقارن قرن چهارم هجری قمری از شباهت‌های مشترک آنها به شمار می‌رود. یکی دیگر از وجوه مهم شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو پایتخت به عوامل مؤثر در مکان‌گزینی آنها و نقش و اهمیت این پایتخت‌ها در تمدن اسلامی قرن چهارم هجری بازمی‌گردد. از همین رو در مقاله پیش رو برآنیم که با روش توصیفی-تحلیلی این عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضدالدوله دیلمی در شیراز را به تفصیل مورد بررسی قرار داده و آنگاه به صورت تطبیقی عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب را با این عوامل مقایسه کنیم. این پژوهش به بررسی وجوه تشابه و تفاوت عوامل مؤثر بر انتخاب شیراز و حلب، به عنوان پایتخت عضدالدوله دیلمی و سیف‌الدوله حمدانی، می‌پردازد. مقاله به این نتیجه منجر گردیده است که اگرچه دلایل انتخاب این دو پایتخت در بسیاری از موارد به هم شباهت داشته، اما نقش و اهمیت هریک از این پایتخت‌ها در قرن چهارم هجری، با دیگری متفاوت بوده است.

واژه‌های کلیدی: بویه‌ییان، پایتخت، پایتخت‌گزینی، شیراز، حلب، حمدانیان شام، قرن چهارم هجری.

* janahmad2004@ymail.com

Amin228@ ymail. Com

shabani@yahoo.com

* نویسنده مسئول: فاطمه جان احمدی

مقدمه

اهمیت قرن چهارم هجری قمری، به عنوان دوره اوج شکوفایی تمدن اسلامی، سبب شده است که همواره مورد توجه پژوهشگران و محققان تاریخ قرار گرفته و عوامل مؤثر در شکوفایی و گسترش و همه‌گیر شدن این تمدن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. یکی از عوامل مؤثر در شکوفایی فرهنگی و توسعه تمدنی، وجود حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقلی است که در این عصر در گستره قلمرو اسلامی برخاسته‌اند و کم و بیش در ارتقای سطح این تمدن به ایفای نقش پرداختند. عضالدوله دیلمی (۳۳۸-۳۷۲ق) و سیف‌الدوله حمدانی (۳۳۳-۳۵۶ق) دو تن از این حکمرانان مقتدر و نام‌آور از سلسله‌های شیعی آل بویه و حمدانیان‌اند که اقدامات چشمگیری در زمینه ارتقای سطح فرهنگ اسلامی ایفا نموده‌اند. گزینش دو سرزمین صاحب نام و شهره در تمدن سریانی و ساسانی، چون حلب و شیراز که در کنار افزودن به مجد و عظمت آنان شرایط احراز استقلال و اقتدار را برای آنها فراهم کرده بود، موجب شد تا در جهان اسلام به سرعت نام و آوازه‌ای بس سترگ پیدا کنند.

این دو فرمانروای نیمه‌مستقل که گاه داعیه استقلال ایشان خواب خوش را از بغداد ربوده بود، برای کسب قدرت به شدت تلاش کردند و در نهایت افتخارات مشابهی را به خود اختصاص دادند. مورخان سلف به اقدامات همه جانبه رقابت‌گونه این امیران هرگز بی‌تفاوت نبودند؛ چنان که مقدسی درباره عضالدوله می‌نویسد: «عضالدوله از شاهان بزرگ روزگارش می‌بود و در کشور اسلام آثاری شگفت‌انگیز دارد. نبینی چه شهرها که ساخته و چه نهرها که شکافته و چه نام‌ها که نهاده و چه نواها که آورده است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۶۰۵)؛ همچنان‌که سیف‌الدوله به عنوان بزرگ خاندان حمدانی و واسطه عظمت این خاندان ستوده شده و دربار او قبله آمال و مقصد ستارگان علمی و ادبی آن عصر دانسته شده است (طباخ، ۱۴۰۸: ۱/ ۲۴۹). در رابطه با اقدامات سیاسی، فرهنگی و نظامی این دو حکمران شیعی قرن چهارم هجری قمری تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته

تحریر کشیده شده، در حالی که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت این امرا در نیل به اهداف سیاسی و فرهنگی، انتخاب مناسب و هوشمندانه مکان پایتخت از سوی آنان بوده است، پژوهشی که تاکنون به آن پرداخته نشده و جای آن در میان مطالعات و پژوهش‌های مربوط به این حکومت‌ها در قرن چهارم هجری قمری خالی به نظر می‌رسد.

از این‌رو مقاله پیش‌رو در پی آن است تا با استفاده از داده‌های تاریخی و جغرافیایی دست اول، عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت عضالدوله دیلمی در شیراز را بررسی نموده و سپس به صورت تطبیقی آنها را، در رابطه با علل انتخاب حلب به عنوان پایتخت، در دوره سیف‌الدوله حمدانی مورد مقایسه قرار دهد. بر این اساس مقاله در پی یافتن پاسخی برای سؤال پیش‌رو می‌باشد: عوامل اصلی تأثیرگذار در مکان‌گزینی پایتخت عضالدوله دیلمی در شیراز، در قرن چهارم هجری قمری، چه بود؟ این عوامل چه شباهتهایی به عوامل تأثیرگذار در مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب داشت؟ بدیهی است که بررسی چنین عواملی می‌تواند در افزایش میزان شناخت ما نسبت به این دو پایتخت مؤثر باشد و ما را با ابعاد بیشتری از اهمیت این دو پایتخت آشنا نماید.

در این پژوهش طرح‌های ارائه شده در کتاب «مبانی جغرافیایی _ سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران»، به عنوان چارچوب نظری یا الگوی مطالعاتی، مورد استفاده قرار گرفته است. براساس نوشته‌های مؤلفان اثر فوق، این اثر نخستین تحقیق علمی در زمینه جغرافیای سیاسی است که به تبیین عوامل اصلی تأثیرگذار در مکان‌گزینی و انتقال پایتخت‌های سرزمین ایران پرداخته است» (احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۹). مؤلفان در این اثر، تاریخ ایران را به دو دوره قبل از اسلام و عصر حاکمیت حکومت‌های ایران باستان (مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان) و دوره ورود اسلام به ایران و عصر حاکمیت حکومت‌های برون فلاتی (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان مغول و تیموریان) و دوره حاکمیت حکومت‌های درون فلاتی (صفویان،

در رابطه با مقاله پیش رو اشاره به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه که از آنجا که در کتاب «مبانی جغرافیایی - سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران» نامی از پایتخت‌های حکومت‌های محلی ایران بعد از اسلام، از جمله طاهریان، صفاریان، سامانیان و آل بویه به چشم نمی‌خورد، در نتیجه با وجود استفاده از طرح‌های مطالعاتی این اثر در پژوهش پیش رو، به طور کلی مقاله حاضر پژوهشی نو و بدیع در رابطه با پایتخت‌های شیعی قرن چهارم هجری است؛ دوم اینکه در حالی که احمدی‌پور و قلی‌زاده در نوشته‌های خود سعی نموده‌اند به میزان قابل توجهی از بار تاریخی مطالب کاسته و به بار جغرافیایی سیاسی آن بیفزایند (همان: ۱۳۸۶: ۹)، در مقاله پیش رو سعی بر این بوده است تا با اجتناب از کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به جغرافیای سیاسی، به میزان بسیار زیادی تکیه اصلی کار بر داده‌های منابع دست اول تاریخی و جغرافیایی قرار داده شود و مقاله تا حد امکان از بار تاریخی قابل توجهی برخوردار باشد.

براساس نوشته‌های چنین منابعی، عضدالدوله دیلمی در سال ۳۳۸ق به درخواست عمومی خود، عمادالدوله، به عنوان جانشین او وارد شیراز شد و از این زمان تا سال ۳۷۲ق که درگذشت، شیراز مقر اصلی حکومت وی به شمار می‌رفت. سیف‌الدوله حمدانی نیز پس از استیلا بر شمال شام، در سال ۳۳۳ق حلب را به پایتختی برگزید و از این پایتخت سرتاسر قلمرو وسیع خود در شمال شام و

افشاریان، زندیان، قاجاریان، پهلوی‌ها و جمهوری اسلامی ایران) تقسیم نموده (نک: همان، ۱۳۹۰: ۵-۶؛ همان، ۱۳۸۶: ۱۰ به بعد) و با استفاده از مباحث مربوط به ژئوپلیتیک^۱ و جغرافیای سیاسی و پژوهشی جامع و درخور توجه، سیزده عامل «قابلیت هسته‌ای مکان پایتخت، ارزش معنوی و نقش ایکونوگرافیک مکان پایتخت، گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت، ارتباط خارجی، موقعیت استراتژیک و دفاعی، مصالحه سیاسی، موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی، دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی، تغییر در رویکردها و سیاست‌های حکومت، شرایط زیست محیطی منطقه، ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی و یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی، مشکلات مدیریت بهینه پایتخت‌ها و مسائل امنیتی» را به عنوان مهم‌ترین و عمده‌ترین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها معرفی نموده‌اند. اگرچه داده‌های این اثر طرح فراگیر و منسجمی در رابطه با دسته‌بندی عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها به شمار می‌رود و مطالعه آن توسط پژوهشگران و دانشجویان تاریخ می‌تواند افق‌های جدیدی از مطالعات بینارشته‌ای تاریخ را در برابر دید علاقه‌مندان به چنین مباحثی قرار دهد و بدین لحاظ بسیار مفید واقع گردد، اما به نظر می‌رسد عدم دقت و رعایت برخی موارد جزئی در این کتاب توسط نویسندگان، سبب خلط برخی مباحث در آن شده است.^۲

۱. شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود (نک: حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۹ و ۳۹-۱۳).
۲. برای مثال می‌توان به عامل «دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی» که از سوی مؤلفان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها معرفی شده است اشاره نمود. همانطور که می‌دانیم این عامل، عامل بسیار مهمی در انتخاب مکان بیشتر پایتخت‌ها به شمار می‌رود اما با توجه به ظرفیت‌های مبادلاتی و تجاری پایتخت‌ها با کشورها و سرزمین‌های پیرامونی خود، این عبارت نمی‌تواند عبارت کاملی در جهت معرفی چنین قابلیت در خور توجهی در بیشتر پایتخت‌ها باشد و بهتر بود واژه «خارجی» نیز در پایان عبارت گذاشته می‌شد. زیرا نویسندگان اگرچه به عامل ارتباط خارجی در رابطه با ارتباطات تجاری پایتخت با سرزمین‌های پیرامونی اشاره نموده‌اند اما این عامل را تنها مختص پایتخت‌هایی با موقعیت مرزی معرفی نموده‌اند (نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۷). در حالی که بسیاری از پایتخت‌هایی که در قسمت‌های مرکزی‌تر سرزمین‌ها انتخاب شده‌اند نیز قابلیت برقراری

ارتباط تجاری با نواحی دور و نزدیک پیرامون سرزمین خود را داشته‌اند. نمونه بارز آن شیراز و حلب می‌باشد که در این پژوهش به آنها پرداخته شده و به ظرفیت‌های مواصلاتی آنان اشاره گردیده است. دیگر آنکه در میان سیزده عامل مطرح شده در کتاب، دوازده عامل ناظر به ویژگی‌های مثبت پایتخت‌های جدیدی است که پس از به وجود آمدن مشکل در پایتخت‌های قدیمی و یا معادلات سیاسی و استراتژیکی، به پایتختی انتخاب می‌شوند اما در میان این سیزده عامل، عامل «مشکلات مدیریت بهینه پایتخت» ناظر به مشکلات و نقاط ضعف و عدم کار آیی پایتخت‌های قدیمی در اثر رویکرد بیش از اندازه جمعیت به آنها می‌باشد (نک: همان، ۱۰۴). بهتر بود نویسندگان این عبارت را به صورت «مدیریت بهینه پایتخت» و بدون کاربرد واژه «مشکلات» به کار می‌بردند تا با توجه به بار مثبت سایر عوامل نامبرده شده در انتخاب پایتخت‌های جدید، هماهنگی بیشتری در تمامی عوامل مطرح شده در کتاب دیده می‌شد.

بخش‌هایی از جزیره را اداره نمود. شیراز و حلب در دوره فرمانروایی عضدالدوله بویه و سیف‌الدوله حمدانی، در زمره مراکز مهم علمی و فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفتند که بازتاب این امر در آثار و منابع مربوط به این دوره به روشنی مشهود است. اهمیت این پایتخت‌ها، به عنوان دو مرکز مهم شیعه در قرن چهارم هجری که نقشی بی‌بدیل در مناسبات سیاسی، فرهنگی و نظامی خلافت عباسی، شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و گسترش تشیع در این قرن ایفا نمودند از دلایل توجه به این پایتخت‌ها و نگارش مقاله پیش رو به شمار می‌رود. منابع نشان می‌دهند که این دو پایتخت، علاوه بر دارا بودن مؤلفه‌های جغرافیایی مناسب، از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مطلوبی نیز برای انتخاب توسط این دو امیر برخوردار بودند که در ذیل به آنها پرداخته خواهد شد:

برآورده ساختن نیاز این دودمان برای کسب مشروعیت به شمار رود. براساس نوشته‌های منابع قدمت و وجه تسمیه شیراز به عهد پیشدادیان و دوره شیراز بن طهمورث، فرزند سومین پادشاه این سلسله، بازمی‌گردد که پس از استقرار در شیراز نام خود را بر این ناحیه نهاد (ابن‌الفقیه، ۱۴۱۶: ۴۰۶؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۶۷؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۹؛ شیروانی، بی‌تا: ۳۲۵-۳۲۶). بدین دلیل شیراز همواره به عنوان پایتخت ملوک فرس، از ارزش معنوی ویژه‌ای برخوردار بود تا جایی که پادشاهان ایران در پیش از اسلام حضور در آن را برای خود به فال نیک می‌گرفتند و «هر سال یک نوبت» در این ناحیه گرد هم می‌آمدند (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۲۰/۲). علاوه بر شیراز، دیگر شهرهای فارس نیز شهرهایی باستانی و کهن به حساب می‌آمدند (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۴۸؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۴۵؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۶) که تاریخ بنای برخی از آنان، چون استخر (اصطخر)، از تاریخ بنای شیراز نیز فراتر می‌رفت (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۹۰؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۹۱) و از آن زمان تا دوره ظهور ساسانیان، به عنوان پایتخت و مقر حکومتی ملوک فرس (نک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۵۹-۲۶۹؛ نیز حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۵) همچنان در کانون توجه و تحولات سیاسی واقع بود (نک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۶۹-۱۷۰). اهمیت ایالت فارس در دوران پس از ظهور اسلام و فتح ایران به دست اعراب مسلمان، نه تنها تضعیف نشد بلکه به دلیل نقل آیات و روایاتی از قرآن و پیامبر اسلام (ص) در رابطه با این سرزمین (نک: زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۰ و ۱۰۳ و نیز حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۰۱/۲)، بیش از پیش تقویت شد و سبب گردید که این ناحیه در میان سایر مناطق جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد. بدیهی است استقرار در چنین شهری، برای آل بویه که به دلیل عدم برخوردارگی از خاستگاهی اصیل در ایران پیش از اسلام (نک: ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۶/۳۳۹) به شدت نیازمند کسب مشروعیت و تثبیت اقتدار حاکمیت خود بودند و برای به دست آوردن چنین مشروعیتی از اقداماتی چون جعل نسب و انتساب خود به سلسله ساسانی نیز

عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضدالدوله دیلمی در شیراز

عوامل مؤثر بر انتخاب شیراز به عنوان پایتخت عضدالدوله دیلمی را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد:

۱. بویه‌یان از جمله سلسله‌های ایرانی به شمار می‌رفتند که در قرن چهارم هجری و در دوران ضعف خلافت عباسی به حکومت رسیدند. آنان از یک سو، رؤیای احیای سلطنت ایران باستان را در سر می‌پروراندند و از دیگر سو، از ریشه و اصل و نسب شاهان ایران باستان که به عنوان عامل مهمی در کسب مشروعیت حکومت‌های ایران پس از اسلام به شمار می‌رفت، بی‌بهره بودند. در چنین شرایطی نظام سیاسی آل بویه نیازمند دستاویزی برای نیل به این اهداف و برآورده ساختن نیازهای خود در جهت قبضه کردن قدرت، حکومت و مشروعیت بود. از این رو انتخاب شیراز به عنوان پایتخت که شهری کهن و باستانی بوده و از دوره پیشدادیان، نخستین سلسله اساطیری تاریخ ایران، مقر حکومت‌های ایران باستان به شمار می‌رفت؛ می‌توانست گام مهمی در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های آنان و

احمدی پور؛ قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۵).

۲. علاوه بر چنین ویژگی‌هایی، بر مبنای بار باستانی و جایگاه سیاسی شیراز در ایران پیش از اسلام، ویژگی‌های جمعیتی و مذهبی شیراز در قرن چهارم هجری نیز در انتخاب آن به عنوان پایتخت بسیار مؤثر بود زیرا در این زمان شیراز مقر سکونت و «دارالملک» شمار بسیاری از زرتشتیانی به شمار می‌رفت که آزادانه به زیارت مقابر و آتشکده‌های فاخر خود رفته و به انجام آداب و رسوم مذهبی خویش می‌پرداختند (نک: ابن حوقل، ۲/ ۲۸۹؛ *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ۱۴۲۳: ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۷). ابن حوقل در هنگام اشاره به ترکیب مذهبی فارس می‌نویسد: «زرتشتیان بیشترین جمعیت پیروان ادیان موجود در فارس را به خود اختصاص می‌دهند و تعداد یهودیان از مسیحیان کمتر است و در هیچ دیاری بیش از فارس پیرو دین زرتشتی وجود ندارد، زیرا فارس دارالملک آنان و جایگاه دین و کتاب مقدس و آتشکده‌های آنان محسوب می‌شود که تاکنون و در زمان ما به آنان به ارث رسیده است» (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/ ۲۹۲). دیگر مورخ این دوره مقدسی در نیمه دوم قرن چهارم هجری، انجام آزادانه آداب و رسوم زرتشتیان را به کاربردن «آداب گبران» و کافران نامیده، آذین‌بندی بازارهای شیراز در هنگام برگزاری چنین جشن‌هایی را به شدت نکوهیده و رسوم شیراز را «تنگ اسلام» دانسته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۷).

بدیهی است که چنین ترکیب جمعیتی و فضای مذهبی و فرهنگی حاکم بر شیراز به عنوان مرکز زرتشتیان، در انتخاب آن به عنوان پایتخت عضدالدوله دیلمی بسیار مؤثر واقع می‌گردید؛ زیرا علاوه بر فراهم نمودن پشتوانه‌ای مستحکم و درخور توجه از حمایت‌های مذهبی و فرهنگی، این دسته از اقدامات عضدالدوله بستر اجتماعی مناسبی را برای رسیدن هرچه بهتر او به مقاصد و اهداف ملی، چون «زنده کردن آداب و روش‌های کهن» به منظور «خاموش کردن آتش» اعراب (ابن مسکویه

انسان با مکان جغرافیایی به شمار می‌رود». (نک: احمدی پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۵).

دریغ نمی‌ورزیدند، بسیار با اهمیت تلقی می‌شد. زیرا شیراز مقر و تختگاه این سلسله به شمار می‌رفت و آل بویه، با استقرار در این شهر و انتخاب شیراز به پایتختی، می‌توانستند خود را وارثان راستین تختگاه آنان جلوه دهند و از بار معنوی و باستانی آن در جهت کسب مجد و عظمت و مشروعیت و از فضای فرهنگی آن در جهت پیشبرد اهداف ملی باستان‌گرایانه (نک: خسرو بیگی و ساجدی، ۱۳۹۴: ۴۰) و پیشبرد راهبردهای سیاسی و اجتماعی خود در مقابله با بغداد سود جویند. ضرب نشان‌های یادبود و سکه‌هایی با تصویر پادشاهان ایرانی و در بردارنده واژه شاهنشاه، گزینش نام‌های ایرانی چون فناخسرو و خسرو فیروز در نسل دوم حکمرانان آل بویه، انتخاب القابی چون شاهنشاه، تاج‌المله و امیر عادل یا معادل عربی آن الملک‌العادل که یادآور عدالت پادشاهان ایران باستان به شمار می‌رفت، نحوه تاج‌گذاری عضدالدوله در دربار خلیفه مطابق با تشریفات ایران باستان (نک: زرین کوب و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۳۶) و اهتمام وی به برگزاری اعیاد، جشن‌ها و آیین‌های باستانی (نک: قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۰۰) از دیگر نموده‌های این تکاپو به شمار می‌رود. در واقع میان نیازها، اهداف و آرمان‌های عضدالدوله دیلمی و فضای باستانی و فرهنگی شیراز ارتباط مستقیمی وجود داشت و بر این اساس «ارزش‌های معنوی و نقش آیکونوگرافیک»^۱ شیراز و بار باستانی و کهن این شهر از عوامل مؤثر در انتخاب آن به عنوان پایتخت عضدالدوله دیلمی به شمار می‌رفت^۲ (نک:

۱. ارزش‌های معنوی و موقعیت آیکونوگرافیک مکان پایتخت ناظر بر پایتخت‌هایی است که «نقش خود را در طول تاریخ سیاسی کشورشان به دست آورده و با گذشت زمان به ایجاد یک گستره جامع از علائم ملی دست یافته‌اند و به این ترتیب یک حق اختصاصی برای پایتخت بودن در اندیشه مردم پدید آورده‌اند... چنین ارزش‌هایی بزرگترین عامل پیوند انسان با مکان جغرافیایی به شمار می‌رود». (نک: احمدی پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۵).

۲. ارزش‌های معنوی و موقعیت آیکونوگرافیک مکان پایتخت ناظر بر پایتخت‌هایی است که «نقش خود را در طول تاریخ سیاسی کشورشان به دست آورده و با گذشت زمان به ایجاد یک گستره جامع از علائم ملی دست یافته‌اند و به این ترتیب یک حق اختصاصی برای پایتخت بودن در اندیشه مردم پدید آورده‌اند... چنین ارزش‌هایی بزرگترین عامل پیوند

نموده است. او در این باره می‌نویسد: «من شهرستانی سراغ ندارم که درست در میان استانش جا داشته باشد به جز این (شیراز) و همدان. نبینی که از اینجا تا کته^۳ یا تا تارم^۴ یا تا نجیرم^۵ یا تا نهر تاب^۶ شصت شصت می‌باشد؟ و از آنجا تا چهارگوشه سینیز^۷ یا رودان^۸ یا سورو^۹ یا مرزهای اصفهان، هشتاد هشتاد است و پیرامن آن شهرهایی است که مسافت‌هایی برابر به سوی آن دارند.» سپس می‌نویسد: «مردی در کارزون داستانی برایم سروده، گفت: کسی از فرمانروا گریخته، به شاپور رسیده، پرسید: تا شیراز چه اندازه است؟ گفتند: هجده تا. سپس تا کارزون دوید و پرسید: تا شیراز چند است؟ گفتند هجده تا. پس او تا به خرّه دویده، باز پرسید: تا شیراز چند است؟ گفتند: شانزده. پس تا گور دویده، باز پرسید: گفتند: بیست همانند آن است...» و بدین‌وسیله مدعای خود در رابطه با موقعیت مرکزی شیراز نسبت به سایر نقاط پیرامون آن را به اثبات می‌رساند (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۷۶). همان‌گونه که در پیش گفته شد، چنین موقعیتی بر مبنای فاصله یکسان شیراز تا مرزهای فارس و ایالت‌های همجوار (نک: حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/۱۵۶-۱۵۸) سبب توزیع یکسان و یکنواخت حاکمیت و اعمال اراده فرمانروایان فارس در تمامی نقاط تحت حاکمیت خود می‌گردید و ارزش سیاسی بسیار مهمی در فرایند انتخاب مکان پایتخت برای حکمرانان به شمار می‌رفت. شایان ذکر می‌باشد که این ویژگی جغرافیایی در دوره فتوحات، تا اندازه‌ای مورد توجه اعراب مسلمان واقع گردید که سبب اهتمام آنان به بنای

رازی، ۱۳۷۶: ۳۴۱/۱) و مقابله با بغداد پایتخت خلافت عباسی فراهم می‌نمود و او را در اجرای اهداف خود یاری می‌داد. از این‌رو می‌توان حضور چشمگیر این دسته از پیروان دین زرتشتی را، به عنوان «گروه ملی مسلط» و تکیه‌گاه فرهنگی حکومت^۱ برای عضدالدوله، از جمله عوامل مؤثر و تأثیرگذار در انتخاب شیراز به عنوان پایتخت توسط این امیر بویه در نظر گرفت.

۳. شیراز به لحاظ جغرافیایی و اقلیمی نیز از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار بود که در انتخاب آن به عنوان پایتخت بسیار مؤثر واقع می‌گردید. نخستین ویژگی منحصر به فرد شیراز به موقعیت جغرافیایی آن در ایالت فارس بازمی‌گشت. شیراز شهر مرکزی فارس و نقطه میانی آن (نک: ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/۲۶۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/۱۵۵) محسوب می‌شد که فاصله یکسان آن تا سایر شهرهای فارس به آن موقعیت درخور توجهی بر مبنای استقرار در «موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی»^۲ (نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۹) می‌بخشید و آن را برای پایتختی بسیار مناسب می‌نمود. برخورداری از چنین موقعیتی سبب می‌شد که حکمرانان این ناحیه به صورت یکسان نسبت به تمامی نقاط قلمرو خود اعمال حاکمیت نموده و تمامی گستره حاکمیت خود را به صورت یکنواخت تحت نظر داشته باشند. چنان‌که مقدسی ضمن اشاره به چنین موقعیتی، با ذکر روایتی از فرار یک متهم، از فرمانروای شیراز به شهرهای پیرامون آن و ناکامی او در یافتن نقطه‌ای امن‌تر از سایر نقاط، به این نکته اشاره

۳. شهری از فارس و بر روی مرز میان فارس و یزد (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۸).

۴. شهری از فارس در مرز کرمان (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۹).

۵. شهری از فارس از توابع سیراف (همو: ۱/۷۴) بر ساحل دریا (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۵).

۶. از رودهای فارس. رودی که از کوه‌های اصفهان و نواحی سمیرم سرچشمه می‌گرفت و پس از عبور از ارجان و تستر (شوشتر) به خلیج فارس منتهی می‌شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱/۱۶۳).

۷. شهری بر ساحل خلیج فارس (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۶).

۸. شهری در مرز میان فارس و کرمان (همان: ۱۴۸).

۹. شهری در مرز کرمان بر لب دریا (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۸).

۱. گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت از جمله عوامل مؤثر در انتخاب مکان پایتخت در یک ناحیه به شمار می‌رود و مبین استفاده حکمرانان و فرمانروایان از نیروی انسانی و یا فرهنگی قومی است که در آن ناحیه سکونت دارند (نک: همان: ۹۶).

۲. موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی یکی از عوامل مؤثر در انتخاب مکان پایتخت‌ها در طول تاریخ بوده است. بر اساس یافته‌های ژئوپلیتیکی، درجه قدرت و شدت انتشار اراده با عامل فاصله رابطه عکس دارد یعنی هرچه فاصله از کانون اصلی قدرت سیاسی (پایتخت) بیشتر شود قدرت اعمال اراده و جذب فرمان از حکومت مرکزی کاهش می‌یابد و با توجه به اینکه یکی از نقش‌های پایتخت‌ها ایجاد وحدت و یکپارچگی است بر این اساس انتخاب پایتخت در موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی بهترین و مؤثر ترین انتخاب به شمار می‌رود (نک: همان: ۹۹-۱۰۱).

راه خشکی سند از سوی سیستان از جمله اهداف و راهبردهای عضالدوله در انتخاب شیراز به عنوان پایتخت خود به شمار می‌رفت. براساس نوشته‌های ابن خردادبه این راه در مسیری طولانی از اندلس آغاز و به چین ختم می‌شد و بخشی از مسیر جاده ابریشم به شمار می‌رفت که چین را به آسیای صغیر متصل می‌نمود. زیرا این جغرافی‌دان در هنگام بیان مسیر بازرگانان از اندلس به نواحی دوردستی چون هند و چین، به عبور آنان از جاده‌های فارس اشاره نموده و بیان می‌کند که آنان پس از خارج شدن از اندلس، راه سوس اقصی^۲ و بعد طنجبه^۳ را در پیش گرفته و از طریق جاده‌های شمال آفریقا به مصر و رمله^۴ رهسپار می‌شدند و از آنجا به شام، کوفه، بغداد و بصره رفته و از آن نواحی به اهواز، فارس، کرمان، سند، هند و چین سفر می‌کردند و کالاهایی چون بنده، کنیز، دیباج، خز، فراء، سمور، شمشیر و پوست روباه را از مغرب و سرزمین صقالبه، با محصولات از مشرق زمین چون مشک و عود و کافور و دارچین و... مبادله می‌نمودند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۴۵-۱۴۶).

با این حال راه شیراز به سیراف مهم‌ترین و پرکاربردترین راه ارتباطی این پایتخت با هند، چین، بصره، عمان، بحرین، دریای سرخ و مصر به شمار می‌رفت (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/ ۶۷۴؛ سلیمان سیرافی، ۱۳۸۱: ۱۱۹، ۱۳۷؛ ناخدا بزرگ شهریار رامهرمزی، ۱۳۷۶: ۱۲۲-۱۲۳، ۱۲۹) و اهمیت مواصلاتی آن در آثار جغرافیدانان آن روزگار چنین بیان می‌گردید: «و من اراد اللند اخذ من ناحیه فارس علی سیراف: هر کس خواستار عزیمت به سند باشد، از فارس به سوی سیراف روانه می‌گردد» (ابن الفقیه، ۱۴۱۶: ۶۴). ابن حوقل نیز در هنگام ذکر راه‌های مواصلاتی شیراز، در ابتدا به معرفی این راه پرداخته و مراحل مختلف آن را ذکر نموده است (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/ ۲۸۲) که می‌تواند نشانه اهمیت تجاری و استراتژیکی

دوباره و بازسازی شیراز در عصر حجاج بن یوسف ثقفی شد (نک: ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰۵).

۴. دیگر ویژگی جغرافیایی بسیار مهم در انتخاب شیراز به عنوان پایتخت، موقعیت راهبردی و سوق‌الجیشی این شهر و استقرار آن در کانون راه‌های تجاری و مواصلاتی مهمی بود که شیراز را به یزد (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۴/ ۲۷۴)، نیشابور و قهستان و دامغان (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۷۲۱)، اصفهان و ازجان (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۵۲)، دارابجرد (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۴۱)، اهواز (ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۸۹-۱۹۰)، بنادر تجاری سواحل خلیج فارس چون جنابه (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/ ۲۸۳) و سیراف (همان: ۲/ ۲۸۲) و ایالت‌هایی چون کرمان و سیستان و سرزمین سند در هند مرتبط می‌ساخت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۷۱).^۱ هریک از این راه‌ها از اهمیت تجاری و مواصلاتی بسیار مهمی برخوردار بود و شیراز را به یک نقطه استراتژیکی و سوق‌الجیشی مبدل می‌کرد که به صورت همزمان به نقاطی چون شاهراه خراسان و ماوراءالنهر، ری، بغداد، سواحل خلیج فارس، سند و هند، چین، بصره، عمان، دریای سرخ و از آن طریق به نقاط دور دستی چون مصر و مغرب اسلامی متصل می‌شد. راه شیراز به نیشابور راه مرکزی ایران به شمار می‌رفت (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۴) و راه شیراز به کرمان نقطه اتصال این ناحیه به سیستان و سند محسوب می‌شد. مقدسی درباره اهمیت این راه ارتباطی می‌نویسد: «راه کرمان به خراسان و به سگستان می‌رسد که دو راه است. راه سند جز از سگستان نگذرد. از سگستان به فارس، جز از کرمان نتوان شد» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۷۱). در آن زمان سند و هند از نظر ثروت و کالاهای بازرگانی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود و جغرافیدانان در آثار خود آن را «سرزمین زر و بازرگانی» می‌نامیدند (همو: ۲/ ۷۰۰). با توجه به عبور راه سند از سیستان و کرمان و موقعیت تجاری و استراتژیکی ویژه این راه، به نظر می‌رسد در اختیار گرفتن

۲. از شهرهای مغرب الاقصی.

۳. از شهرهای مغرب الاقصی.

۴. نام شهری در شام. مقدسی آن را قصبه فلسطین دانسته است. (مقدسی،

۱۳۶۱: ۱/ ۳۸).

۱. حافظ ابرو جغرافی‌دان قرن هشتم، در اثر جغرافیایی خود راه‌های شیراز را به تفصیل بیان نموده که می‌تواند منطبق بر راه‌های مواصلاتی این شهر در قرن چهارم هجری باشد (نک: حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۵۵-۱۵۹).

این راه بوده باشد.

به دلیل این موقعیت ارتباطی، سیراف در قرن چهارم هجری بزرگترین شهر فارس پس از شیراز و «لنگرگاه فارس» (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۵؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲/ ۲۸۱)، «انبار فارس و خراسان» و «درگاه چین» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۳) نامیده می‌شد و مالیات بازرگانی فراوانی را به خزانه حکمرانان آل بویه سرازیر می‌نمود (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲۶-۱۲۷).

چنین موقعیت مرکزی و سوق‌الجیشی، شیراز پایتخت عضدالدوله، را به مرکزی تجاری (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۳۱) و «پایتختی شبکه محور»^۱ و «مسلط بر اقتصاد» (برای دیدن تقسیم‌بندی پایتخت‌ها از نظر وضعیت اقتصادی نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۲) مبدل می‌کرد که از ظرفیت قابل‌توجهی برای ایجاد روابط بازرگانی با نقاط مختلف برخوردار بود و شهری تجاری به شمار می‌رفت که به قول قزوینی هر که در آن مدتی اقامت می‌نمود، «وسعت معاش حاصل می‌کرد» (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۶۷). در این دوره بیشتر جمعیت شیراز را بازرگانان مرفهی تشکیل می‌دادند که مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین به حکومت بودند و در بازارهایی تنگ و پرجمعیت که مردم و چارپایان به سختی از آنها عبور می‌کردند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۴۰-۶۴۱؛ همان: ۱/ ۴۶)، به داد و ستد اقلام گوناگون اشتغال داشتند. موقعیت سوق‌الجیشی و مواصلاتی شیراز، علاوه بر اهداف اقتصادی، اهداف استراتژیکی و راهبردی عضدالدوله را نیز محقق می‌نمود و از جهت فراهم نمودن امکان توسعه‌طلبی ارضی و گسترش قلمرو برای این حکمران بویهی، بسیار حائز اهمیت بود. بر این اساس، یکی از

اهداف سیاسی وی از انتخاب شیراز به عنوان مرکز حکومت و پایتخت، توسعه قلمرو خود به سوی مناطق و ایالت‌های مهم دور و نزدیک و تسلط بر آنها بود (نک: ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۶/ ۲۷۰، ۳۰۴-۳۰۹، ۳۶۲). علاوه بر این، استقرار در شیراز سبب ایجاد حالت آماده باش نظامی نسبت به چنین مناطق حساسی می‌گردید و او را قادر می‌ساخت در مواقع مقتضی و به مجرد بروز شورش در این نواحی، به سرکوب این شورش‌ها بپردازد و مناطق مزبور را بار دیگر به زیر سیطره حاکمیت خود در آورد (همان، ۶/ ۳۵۹-۳۶۲، ۴۷۲). با توجه به موقعیت مواصلاتی شیراز، نزدیکی این شهر به اصفهان، مرکز فلات ایران و بغداد، پایتخت باشکوه خلفای عباسی، نیز در انتخاب آن به عنوان پایتخت توسط عضدالدوله مؤثر بود. با استفاده از این موقعیت عضدالدوله در سال ۳۶۷ق بغداد را به تصرف درآورد و پس از آن مرزهای قلمرو خود را تا شام گسترش داد (همان، ۶/ ۴۴۶ به بعد). بر این اساس، دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی و خارجی از دیگر عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضدالدوله دیلمی در شیراز به شمار می‌رفت (برای دیدن اهمیت نقش این عامل در انتخاب مکان پایتخت‌ها، نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

۵. شیراز در میان اقلیم‌های گرمسیری و سردسیری ایالت فارس از شرایط آب و هوایی و اقلیمی معتدل و بسیار مناسب‌تری برخوردار بود. وجود کوهستان‌های پردرخت، کشتزارها، هوای سبک و گردشگاه‌های زیبا در آن (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۴۰، ۶۵۳)، در کنار منابع آب جاری و زیرزمینی فراوان و خاک حاصلخیز، شرایط زیست‌انسانی و گیاهی قابل‌توجهی را در آن فراهم می‌نمود (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۴؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۵۳؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۷۷) که علاوه بر آنکه اسکان در این ناحیه را برای حاکمان و فرمانروایان بسیار خوشایند و پرجاذبه می‌ساخت، شیراز را به منطقه‌ای پرمفعت و آباد مبدل می‌نمود (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۶۷) که نسبت به سایر مناطق ازخارج بسیار بالایی برخوردار بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۶۷؛ کاتب

۱. پایتختی که با تمام نقاط کشور در ارتباط است. به طور کلی، این پایتخت‌ها علاوه بر سیادت آنها در سیستم فضایی-سیاسی کشور، نقش آنها در پیوند و تمرکز دادن شریان حیاتی یک حکومت در مرکز شبکه، ارتباط مستقیم آنها با شهرهای جهانی و در این فرایند، ضمن تاثیر گذاری بر آنها، تاثیر پذیر بودن از آنها و به تبع آن تحت تاثیر قرار دادن کل سیستم در داخل کشور و نیز جایگاه ویژه آنها در سیستم و شبکه شهری کشور به صورت مغز فعال و قلب تپنده حکومت عمل می‌کنند (نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۲).

نهاد، سپاهیان و صاحبان برخی صنایع چون نساجان را به این مرکز منتقل نماید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۴۳). مؤلف *شیرازنامه* در این باره می‌نویسد: «نقل است که شیراز در عهد دیالمه چنان معمور بود که آوازه رخص و معموری و رفاهیت رعیت آنجا به جمیع دیار و اقالیم رسید و از هر طرف بدانجا روی نهادند و غلبه لشکر جمع آمدند. عضالدوله بیرون شهر، طرف قبله شیراز عمارتی کرد، آن را کرد فناخسرو نام نهادند، شهری بزرگ، در میان شهر بازاری عظیم بساخت، ارتفاع آن هر سال شانزده هزار دینار به دیوان عضدی می‌رسید» (زرکوب شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۱۴؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲۰). با استفاده از داده‌های فوق که بیشتر آنها از گزارش‌های جغرافی‌دانان قرن چهارم هجری قمری استنباط شده است، می‌توان وزن ژئوپلیتیکی ناشی از مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی حکومت عضالدوله در این پایتخت، چون موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، جمعیت قابل توجه، منابع طبیعی، اقتصاد و ... را درک و دریافت نمود (برای داشتن آگاهی کاملی از مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی نک: حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۲۶۰). چنین عواملی در کنار نیاز مبرم وی به مشروعیت و پشتوانه فرهنگی حاصل از ویژگی‌های باستانی، مذهبی و اجتماعی شیراز در قرن چهارم هجری سبب گردید که امیر بویهی حتی پس از تصرف نهایی بغداد در سال ۳۶۸ق و استقرار در آن، ترجیح دهد مناصب دیوانی و قضایی مهمی چون وزیر و قاضی‌القضات او در شیراز مستقر باشند و از جانب خود نمایان و نمایندگانی را برای اداره امور دیوانی و قضایی به بغداد بفرستند (ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۷۱، ۴۸۵). این امر بیانگر اهمیت شیراز برای عضالدوله بوده و نشان می‌دهد که شهری چون بغداد در نظر او در رتبه دوم پس از شیراز قرار داشت و پایتخت دوم وی به شمار می‌رفت. چه به گفته مقدسی او عراق را تنها «برای نام» و آوازه می‌خواست و فارس و شهرهای مهم آن، چون ارجان و سیراف، به دلیل درآمد بالا و درخور توجه آن در نزد او

بغدادی، ۱۹۸۱: ۱۳۷). براین اساس، توجه به «شرایط زیست محیطی منطقه» (احمدی پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۳) از دیگر عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضالدوله دیلمی در این ناحیه به شمار می‌رفت.

چنین شرایطی بر مبنای آب و هوای معتدل، خاک بارور و حاصلخیز، دسترسی به راه‌های تجاری مهم، رونق بازرگانی و صنایع و رفاه و آسایش ناشی از آن (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۶۵۸-۶۵۹، ۶۴۰-۶۴۱)، علاوه بر ایجاد جاذبه‌های فراوان برای حاکمان و فرمانروایانی چون عضالدوله دیلمی، به طور طبیعی جمعیت بسیاری را به زندگی و فعالیت در این مرکز سوق می‌داد که می‌توان از آن به عنوان «کارکردهای جذبی و کششی»^۱ این پایتخت اسلامی در عصر عضالدوله دیلمی نام برد. جاذبه‌های تجاری و معیشتی و در پی آن افزایش جمعیت (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲۰) در شیراز در عصر عضالدوله به قدری چشمگیر بود که سرانجام به «مشکلات مدیریت بهینه پایتخت»^۲ و فقدان مکان و فضای کافی برای اسکان سپاهیان در شیراز منجر شد (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۱۸-۳۲۱) و عضالدوله را بر آن داشت که برای حل این معضل، شهری جدید در دو فرسنگی جنوب شیراز بنا

۱. پایتخت‌ها علاوه بر برخورداری از کارکردهای سیاسی-اداری-اقتصادی و فرهنگی، از دو کارکرد ذاتی متفاوت برخوردارند (الف) کارکرد جذبی و کششی (ب) کارکرد دفعی و پراکنشی. یعنی انسان‌ها، جریان‌ها، مواد و شبکه‌ها را به خود جذب می‌کنند و پدیده‌ها، فرمان‌ها، دستورالعمل‌ها و عملیات کنترلی و نظارتی و تولیدات و غیره را در سطح فضای مربوط پخش می‌کند و فضا را به حوزه نفوذ و قلمرو اعمال اراده سیاسی خود تبدیل می‌کند (همان: ۳۴).

۲. با وجود اینکه گفته شده این مشکلات به طور معمول به علت تراکم جمعیتی زیاد در پایتخت‌ها رخ می‌دهد و سبب انتقال پایتخت به نقطه ای کم جمعیت تر برای تمرکز بهتر حکمرانان بر حل و فصل مسائل حکومتی می‌گردد (نک: همان: ۱۰۴)، با این حال در مورد عضالدوله دیلمی باید گفت که حتی بروز چنین مشکلی بر مبنای رویکرد جمعیت بسیار به شیراز نتوانست از علاقمندی او به استقرار پایتخت در شیراز بکاهد به همین سبب او تنها ترجیح داد که مقر سپاهیان و برخی اصناف صنعتی را از شیراز جدا کند و آنها را به شهر جدید الاحداث کرد فنا خسرو انتقال دهد و مقر حکومتی عضالدوله همچنان در شیراز باقی ماند در حالیکه در بسیاری از موارد به همراه ایجاد مشکلات ناشی از افزایش جمعیت و مدیریت بهینه پایتخت‌ها مقر حاکمان و دواوین حکومتی از پایتخت پرجمعیت پیشین به پایتخت جدید انتقال می‌یابد.

۳. عواید دیوانی حاصل از آن.

پایتخت» از جمله عوامل مؤثر بر انتخاب حلب به عنوان پایتخت این حکمران به شمار می‌رفت.

۲. عامل «گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت» از دیگر عوامل مهم در انتخاب حلب به عنوان پایتخت، توسط سیف‌الدوله حمدانی به شمار می‌رفت. این عامل به مهاجرت‌های تاریخی بنی‌تغلب، نیای حمدانیان به مناطقی چون شام و حلب در ادوار کهن پیش از اسلام (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۸۰۴/۱؛ بلعمی، ۱۳۴۱: ۹۰۴/۲-۹۱۴) تا دوران پس از ظهور اسلام در این مناطق (نک: ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵: ۸/۱۲۱) و نقش آفرینی سیاسی این دسته از قبایل در این ناحیه بازمی‌گشت که بدون تردید در ایجاد انگیزه و پشتوانه انسانی برای سیف‌الدوله در انتخاب پایتخت در این ناحیه، بسیار مؤثر بوده است.

۳. از نقطه نظر دسترسی به راه‌های مواصلاتی و موقعیت سوق‌الجیشی، حلب به عنوان دارالاماره و مرکز جُند قَسْرین^۱ در شام، از موقعیت راهبردی بسیار مهمی در ارتباط با سرزمین‌هایی چون عراق و ایران، شاهراه خراسان و مرزهای شام و مغرب و مصر و عربستان برخوردار بود (نک: ابن حوقل، ۹۳۸: ۱/۱۶۶، ۱۷۷؛ یعقوبی، ۱۳۵۶: ۸۶؛ ابن رسته، ۱۸۹۲: ۳۲۳؛ ادربیسی، ۱۴۰۹: ۲/۴۶۸؛ مؤسسه دایرةالمعارف الفقه‌الاسلامی، بی‌تا: ۱/۴۳۱۸). بدین لحاظ، حلب شهری تجاری، ممتاز و بااهمیت به شمار می‌رفت که سیاحان و جهانگردان در هنگام دیدار از این شه آن را «باجگاه» بازرگانی مشرق و مغرب و گزینه‌ای درخور توجه برای «پایتختی خلافت» جهان اسلام می‌نامیدند (نک: ناصرخسرو، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷) و ابن بطوطه، ۱۳۶۱: ۱/۶۵-۶۸). چنین داوریهایی خود نشان‌دهنده موقعیت سوق‌الجیشی و مهم این شهر در میان سایر شهرهای قلمرو خلافت اسلامی بود. علاوه بر این، توجه به نوشته‌های ابن اثیر نشان می‌دهد که سیف‌الدوله حمدانی قصد داشت با استقرار در این موقعیت سوق‌الجیشی و با استفاده از راه مواصلاتی حلب به سوی

ارزشمندتر و دوست داشتنی‌تر می‌نمود (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۲۹-۶۳۱). دیگر شهرهای فارس نیز هر یک از ویژگی‌های طبیعی، صنعتی، تجاری و استراتژیکی خاصی برخوردار بودند که سبب بهرمندی اقتصادی هرچه بیشتر این حکمران از قلمرو وسیع تحت سیطره خود در این ناحیه می‌شد (نک: حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۴۵-۱۴۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۵۷-۶۶۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۰۱) و در انتخاب شیراز به عنوان مقر حکومت وی بسیار مؤثر بود.

بررسی عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب

در این بخش از مقاله در پی آنیم که عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب را بررسی نموده و ضمن مقایسه آن با عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضدالدوله دیلمی در شیراز، اهمیت این دو پایتخت را در قرن چهارم هجری قمری مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار دهیم. بر اساس اطلاعات منابع، حلب پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در میان سایر شهرهای قلمرو این حکمران در شمال شام، از موقعیت ممتازتری برای انتخاب به عنوان پایتخت و مقر حکومت برخوردار بود که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد:

۱. حلب پایتخت سیف‌الدوله، شهری کهن، باستانی و مقدس، اقامتگاه حضرت ابراهیم، دارالهدی پیامبر اسلام، دارالحرب قلمرو مسلمین و سنگر دفاعی آن به شمار می‌رفت (نک: یاقوت حموی، ۲۰۷-۲۰۹: ۲/۲۰۹؛ ابن العدیم، بی‌تا: ۱/۴۵، ۷۵-۷۷). بدیهی است که این شهر به دلیل برخورداری از چنین سابقه تمدنی و مذهبی با شکوهی اهمیت درخور توجهی داشت. چنین ویژگی‌هایی، علاوه بر آنکه حلب را به عنوان گزینه‌ای مناسب برای پایتختی مهم جلوه می‌داد، سبب می‌شد که حاکمیت بر آن از بار معنوی و ارزشی غیرقابل انکاری برخوردار بوده و انتخاب آن به عنوان پایتخت، ارزشی سترگ و مجد و عظمتی درخور توجه را به سیف‌الدوله حمدانی عرضه کند. بر این اساس «ارزش معنوی و نقش آیکونوگرافیک مکان

۱. یکی از پنج قسمت سرزمین شام.

آن به عنوان پایتخت سیف‌الدوله حمدانی به شمار می‌رفت. اهمیت این موقعیت در لزوم دفاع از مرزهای قلمرو اسلامی، برخورداری از مزایای ویژه مالی استقرار در چنین موقعیتی چون بخشودگی‌های مالیاتی برای تقویت نیروهای جنگی، بهره‌مندی از غنای حاصل از غزوات (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۳۹؛ معزی، ۱۳۹۰: ۵۱)، علاقه‌مندی و توانایی بالقوه سیف‌الدوله در پرداختن به غزوات و کسب نام و نشان و مشروعیتی بود که در نتیجه حاکمیت او بر این نواحی حاصل می‌شد.

بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر انتخاب شیراز و حلب به عنوان پایتخت در قرن چهارم هجری:

براساس آنچه که گفته شد، مکان‌گزینی هر دو پایتخت، با در نظر گرفتن عوامل مختلف فرهنگی و اجتماعی و برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی و اقلیمی این دو ناحیه صورت پذیرفته بود. همان‌گونه که در جدول ذیل نیز آمده است در میان عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضدالدوله دیلمی، عوامل ارزش معنوی و نقش آیکنوگرافیک مکان پایتخت، گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت، شرایط زیست محیطی منطقه، دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی و خارجی و در نتیجه برخورداری از «موقعیت هسته‌ای»^۴ پایتخت‌ها، با عوامل مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب عواملی مشترک به شمار می‌روند:

مصر و مغرب اسلامی، قلمرو حکومتی خود را تا این نواحی بسط و توسعه دهد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۱۴/۲۰).

۴. براساس نوشته‌های منابع، حلب از جمله «بهترین شهرهای شام» و ولایتی «مشهور و خوش آب و هوا» بود که با برخورداری از آب فراوان و خاک بارور چهره‌ای بسیار مرفه و حاصلخیز داشت (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲۳۸؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱/۳۵۵). این قابلیت به نوبه خود در بهره‌مندی حاکمان آن از خراج درخور توجه (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۷۰؛ قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۱۵۰)، درآمدهای حاصل از صادرات مازاد محصولات زراعی به سرزمین‌های مجاور (ابن العدیم، بی‌تا: ۱/۶۰) و نیز رشد صنایع (کرد علی، ۱۴۰۳: ۴/۱۵۹، ۱۶۰؛ ۱۷۶، ۲۰۳، ۲۰۴) بسیار مؤثر بود و از عوامل مهم در انتخاب این شهر به عنوان پایتخت به شمار می‌رفت. این مسئله نشان می‌دهد که توجه به «شرایط زیست محیطی» حلب از دیگر عوامل مؤثر در انتخاب آن توسط سیف‌الدوله حمدانی، به عنوان پایتخت بوده است.

۵. «موقعیت استراتژیکی و دفاعی»^۱ حلب و نزدیکی این شهر به عواصم^۲ و ثغور^۳ و مرزهای امپراتوری روم (ابن‌العدیم، بی‌تا: ۱/۴۵)، از دیگر عوامل مؤثر در انتخاب

۱. برخورداری از موقعیت استراتژیک و دفاعی از دیگر عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها به شمار می‌رود (احمدی‌پور و قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۹۸). در اینجا این توضیح ضروری به نظر می‌رسد که شیراز نیز به دلیل موقعیت مواصلاتی خود از موقعیت استراتژیکی برخوردار بود که امروزه از مهم‌ترین عوامل ایجاد ارزش و اعتبار به شمار می‌رود (نک: همان: ۹۸-۹۹) اما در اینجا مراد از موقعیت استراتژیکی حلب، نزدیکی این پایتخت به مرزهای روم و موقعیت دفاعی ویژه این پایتخت است که با توجه به منازعات دائمی میان مسلمانان و امپراطوری روم در قرن چهارم اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌داد.

۲. نواحی میان انطاکیه شهری در ساحل دریای مدیترانه و حلب. (ابن الفقیه، ۱۶۱). منظور از عواصم، «دژهای مانع» (ابن خردادبه، ۱۰۰) و «قلعه‌های مستحکم و ولایاتی» بود «که حلب و انطاکیه به آنها محیط» بود (یعقوبی، ۱۴۴ (پاورقی)) و به عبارت دیگر در میانه حلب در شرق و انطاکیه در غرب واقع گردیده بود. (اسکندری، ۲/۲۲۴، پاورقی ۱) و «مسلمانان برای غذا به پشت آن» نواحی «می‌تاختند» و «در آن سوی» آنها «به جنگ می‌پرداختند». (یاقوت حموی، ۱/۸۱۱)؛ نیز نک: حسینی حنبلی، ۱۱۸؛ طباطبائی، ۱/۱۴۸؛ نیز نک: کردعلی، ۱/۸

۳. از ماده ثغر به معنی مرز. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱/۸۱۱) ذیل واژه ثغر).

۴. احمدی‌پور و قلی‌زاده تفاسیر زیادی را برای این اصطلاح ذکر نموده‌اند که به طور کلی نشان می‌دهد هر پایتختی به هر دلیلی که به پایتختی انتخاب شده باشد، از ویژگی قابلیت هسته‌ای مکان پایتخت برخوردار است. در یکی از این تعاریف نیز آمده است: «شهری که به طور غالب دارای بیشترین جمعیت و بیشترین تراکم کارکردهای اقتصادی-فرهنگی است». به گفته آنان چنین پایتخت‌هایی را شهرهای نخستین نیز می‌نامند. (احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۴-۹۵، ۱۰۶).

«جدول مقایسه تطبیقی عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی شیراز پایتخت عضالدوله دیلمی و حلب پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در قرن چهارم هجری»

ردیف	عوامل جغرافیایی - سیاسی مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت‌ها	عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت عضالدوله بویه‌ی در شیراز	عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پایتخت سیف‌الدوله حمدانی در حلب
۱	ارزش معنوی و نقش ایکونوگرافیک مکان پایتخت	+	+
۲	گروه ملی مسلط و خاستگاه قومی حکومت (یا تکیه‌گاه فرهنگی حکومت)	+	+
۳	دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی	+	+
۴	شرایط زیست محیطی منطقه	+	+
۵	موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی	+	-
۶	موقعیت استراتژیک و دفاعی	-	+
۷	قابلیت هسته‌ای مکان پایتخت	+	+
۸	ارتباط خارجی	-	-
۹	تغییر در رویکردها و سیاست‌های حکومت	-	-
۱۰	ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی	-	-
۱۱	مشکلات مدیریت بهینه پایتخت‌ها ^۱	-	-
۱۲	مسائل امنیتی	-	-
۱۳	مصالحه سیاسی	-	-

۱. همان‌گونه که در متن مقاله اشاره گردید، شیراز به عنوان مقر حکومت عضالدوله دیلمی، به دلیل جذب جمعیت فراوان در این دوره، به مشکلات مدیریت بهینه پایتخت دچار شد اما این امر به انتخاب پایتخت جدیدی توسط عضالدوله منجر نشد و او تنها به ساختن شهر جدید «کرد فنا خسرو» در نزدیکی شیراز اکتفا نمود. در حالی که در بیشتر موارد بروز چنین مشکلاتی سبب انتقال پایتخت به نقطه دیگر شده است. (نگارندگان).

هجری به قدری وسعت داشت که هر میزان افزایش جمعیت را به خود برمی‌تابید و در نتیجه حاکمان خود را با مشکلات ناشی از افزایش جمعیت مواجه نمی‌نمود؟ یا شیراز پایتخت عضدالدوله به قدری کوچک بود که با کمترین میزان افزایش جمعیت، حکمرانان خود را با چنین مشکلاتی مواجه می‌ساخت؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها می‌بایست گزارش‌های منابع در رابطه با وسعت هر یک از این دو پایتخت را به دقت مورد بررسی قرار داد و از برآیند آنها به پاسخ سؤال فوق و درنهایت به اهمیت این دو پایتخت شیعی در قرن چهارم هجری قمری پی برد.

حلب در قرن چهارم هجری شهری بزرگ، زیبا و دارای بازرگانی پررونق بود که تجارت فعال در آن، در نوشته‌های جغرافی‌دانان قرن چهارم هجری به روشنی بازتاب یافته است (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۷۶) و مقدسی نیز اگرچه در یک موضع در رابطه با این ناحیه چنین می‌نویسد: «قصبه بزرگ نیست ولی پایتخت شاه است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۲۱۸)، بلافاصله در سطور بعد آن را شهری بزرگ معرفی می‌نماید که جایگاه سلطان و مرکز دیوان‌هاست (همان: ۱/۲۱۹). در نقطه مقابل، شیراز قرار داشت که براساس نوشته‌های منابع، از بدو بازسازی و بنای دوباره، پس از ورود اسلام به ایران، وسعتی چند برابر اصفهان داشت و به قولی به اندازه هزار گام از اصفهان بزرگتر و وسیع‌تر بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۲/۱۲۰) این پایتخت در قرن چهارم هجری قریب به یک فرسخ وسعت داشت و از جمعیت قابل‌توجهی برخوردار بود (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۲۰ (پاورقی)). براین اساس، شیراز همچون حلب شهری بزرگ به شمار می‌رفت که مشکلات ناشی از افزایش جمعیت در آن، نه به وسعت کم این پایتخت که به رونق چشمگیر اقتصادی بازمی‌گشت که در نتیجه موقعیت مواصلاتی مهم آن و نیز اهتمام عضدالدوله بویه به اقتصاد و آبادانی در این ناحیه پدیدار شده بود. وسعت شیراز از یک‌سو و مشکل پیش روی عضدالدوله بر مبنای افزایش فراوان جمعیت در این شهر ما را به

این در حالی است که در میان عوامل انتخاب شیراز و حلب به عنوان پایتخت بویه‌یان و حمدانیان، به ترتیب عوامل موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی و موقعیت استراتژیک و دفاعی از عوامل تمایز مکان‌گزینی هریک از این پایتخت‌ها نسبت به دیگری به شمار می‌رود.

این نکته که مقدسی جغرافی‌نویس قرن چهارم هجری در هنگام توصیف فارس به عنوان «سرزمینی گران‌مایه، پرخی‌ر و مرکز بازرگانی»، آن را «همانندترین سرزمین به شام» یافت و آبادترین و پربرکت‌ترین ناحیه پس از شام نامید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۳۰)، خود گواهی روشن بر اشتراکات زیست محیطی این دو پایتخت و عوامل مشترک مؤثر بر انتخاب آنها توسط دو حکمران مورد نظر می‌باشد.

شیراز و حلب در قرن چهارم هجری، هر دو از پایتخت‌های مسلط بر اقتصاد و شبکه محوری به شمار می‌رفتند که جمعیتشان را ساکنانی مرفه تشکیل می‌دادند (نک: مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۲۱۲، ۲۱۸؛ ۲/۶۴۰-۶۴۱). با این حال آیا حلب نیز در عصر سیف‌الدوله دچار مشکلات مدیریت بهینه پایتخت شده بود؟ به نظر می‌رسد پاسخ به چنین سؤالی می‌تواند یکی از مهم‌ترین وجوه تفاوت اهمیت هریک از این دو پایتخت در قرن چهارم هجری قمری را مشخص نماید. در پاسخ به چنین سؤالی باید گفت که با وجود اقرار تمامی منابع به جمعیت فراوان، آبادانی و رونق تجاری درخور توجه حلب در قرن چهارم هجری (اصطخری، ۱۹۲۷: ۶۷؛ ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۱/۱۷۷)، چنین گزارشی بر مبنای به وجود آمدن مشکلات مدیریت بهینه پایتخت در حلب که همواره از رویکرد جمعیت فراوان به چنین مراکز نشأت می‌گیرد (نک: احمدی‌پور و قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۴) در هیچ یک از منابع دیده نشد. حال آنکه مشکلات ناشی از افزایش جمعیت فراوان در شیراز، در عصر عضدالدوله، او را ناچار به ایجاد شهری جدید در دو فرسنگی جنوب شیراز نمود. آیا دلیل این امر به کوچکتر بودن و یا وسعت کمتر شیراز نسبت به حلب بازمی‌گشت؟ به عبارت دیگر آیا حلب در قرن چهارم

که از دیدگاه ناظران این قلمرو، اداره کدام پایتخت مهم‌تر به نظر می‌رسید؟ با توجه به گزارش‌های موجود از وقایع این عصر، به نظر می‌رسد از دید چنین ناظرانی دفاع از مرزهای قلمرو اسلامی در مقابل تعدی و دست‌اندازی رومیان، به عنوان «معضل مهم ملت اسلام» و «درد بزرگ» آن روزگار، بسیار مهم‌تر از پرداختن به مسائلی چون اقتصاد، سیاست و مذهب بود و آل بویه که به دلیل پرداختن بیش از حد به امور فوق، از توجه به این امر حیاتی غافل بودند، بارها به دلیل نیندیشدن چاره در این باب و عدم اهتمام جدی به این مسئله حیاتی، مورد شماتت و تکفیر و لعن غازیان، فقها و حتی مردمان کوچک و بازار قرار گرفتند (نک: ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۶/ ۲۷۵-۲۸۲، ۳۶۵-۳۶۶). براین اساس، ظاهراً از دید چنین ناظرانی حلب پایتختی مهم‌تر به نظر می‌رسید. شاید به این دلیل که آنان درباره حاکمان هر یک از این دو پایتخت چنین می‌اندیشیدند که یکی قدرت خلفا به عنوان مقام نخست مذهبی جهان اسلام در آن روزگار را سلب و دیگری وظیفه خطیر آنان را در دفاع از ثغور و مرزهای قلمرو اسلامی بر عهده گرفته بود (در مورد وظایف خلیفه، نک: الماوردی، ۱۴۰۶: ۱۵-۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در پی پاسخ به این مسئله بودیم که وجه تشابه و تفاوت انتخاب شیراز و حلب، به عنوان پایتخت عضدالدوله دیلمی و سیف‌الدوله حمدانی، در چه عواملی بود؟ برای پاسخ به این سؤال، به بررسی عوامل مؤثر در مکان‌گزینی هر یک از این پایتخت‌ها پرداختیم. یافته‌های پژوهش نشان داد که برخورداری توأمان شیراز از ویژگی‌های جغرافیایی، زیست محیطی و فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مناسب با اهداف و راهبردهای عضدالدوله دیلمی سبب انتخاب آن به عنوان پایتخت توسط او گردید. عضدالدوله با استفاده از ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی شیراز، می‌توانست به طور هم‌زمان از بار فرهنگی و باستانی شیراز و

این نتیجه می‌رساند که شیراز در این دوره نسبت به حلب تا چه میزان از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار بوده است. نتیجه آنکه شیراز در عصر عضدالدوله بویهی، از نظر اقتصادی اهمیتی بسیار فراتر از حلب، پایتخت سیف‌الدوله حمدانی که به نوبه خود شهری بزرگ، پرجمعیت و دارای ظرفیت‌های فراوان اقتصادی بوده (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳: ۱۷۶)، داشته است.

شیراز به دلیل تسلط آل بویه و اهتمام آنان در ترویج و نشر تشیع به عنوان اولین سلسله مستقل شیعی در ایران بعد از تشکیل خلافت عباسی (برای آگاهی کامل از اقدامات آل بویه در این باب نک: خسروبیگی و جلیلیان، ۱۳۹۲: ۸۵-۱۰۰) پایتختی سیاسی و مذهبی نیز به شمار می‌رفت که حاکمان آن، علاوه بر آنکه خلفای بنی‌عباس را به زیر سلطه خود در آوردند، در راستای اعتقادات خود به مذهب تشیع، در پی آن برآمدند که خلافت را از خاندان عباسی سلب و به یکی از علویان منتقل نمایند اما به دلایلی از این کار منصرف شدند. بنابراین شیراز در قرن چهارم هجری قمری و در عصر امیر عضدالدوله دیلمی پایتختی با اهمیت اقتصادی، سیاسی و مذهبی به شمار می‌رفت که نقش بی‌بدیلی را در معادلات سیاسی و رویدادهای مذهبی آن عصر از خود بر جای نهاد. در حالی که می‌توان حلب را در این زمان به دلیل نزدیکی به ثغور و عواصم (ابن العدیم، (بی‌تا): ۱/ ۴۵) و برخورداری از «موقعیت استراتژیک و دفاعی» و مرکزیت سازماندهی جنگ‌ها و غزوات بر علیه رومیان (همان: ۱/ ۴۷) به عنوان پایتختی با اهمیت استراتژیک تلقی نمود که به ویژه در قرن چهارم هجری و در دوران سیف‌الدوله حمدانی نقش بسیار مؤثری را در مقابله با تهاجمات رومیان و دست‌اندازی‌های حاکمان این امپراتوری به مرزهای قلمرو اسلامی و شهرهای مذهبی مهم آن ایفا نمود (نک: ابن العدیم، (بی‌تا): ۱/ ۱۹۷).

حال که به اهمیت هر یک از این دو پایتخت در تمدن اسلامی قرن چهارم هجری اشاره گردید، باید دید

حمایت‌های معنوی زرتشتیان ساکن در این شهر، در جهت اجرای مقاصد فرهنگی آل بویه بر مبنای احیای آداب و رسوم ایرانی استفاده کند. با توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر شیراز، در قرن چهارم هجری قمری و نیازها و اهداف آل بویه، در کسب مقبولیت عام و احیای سلطنت ایران باستان که در متن مقاله به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد عضدالدوله، به عنوان بزرگترین حکمران آل بویه، چاره‌ای جز گزینش شیراز به پایتختی نداشت. براین اساس، هیچ شهر دیگری در حوزه قلمرو عضدالدوله نمی‌توانست مناسب‌تر از شیراز برای پاسخ‌گویی به مقتضیات و نیازهای فرهنگی و اجتماعی حکومت عضدالدوله دیلمی باشد. در نتیجه می‌توان عامل گروه ملی مسلط و تکیه‌گاه فرهنگی حکومت را از عوامل اصلی تأثیرگذار در این انتخاب دانست. ویژگی‌های جغرافیایی، سوق‌الجیشی و طبیعی شیراز نیز گام مهمی در جهت رسیدن عضدالدوله به اقتدار حاکمیت و بسط و توسعه مرزهای قلمرو و گسترش حوزه نفوذی او در مناطق مهم پیرامونی قلمرو خود، چون بغداد پایتخت خلافت عباسی و دیگر مناطق به شمار می‌رفت و به لحاظ اقتصادی منبع مهمی برای کسب درآمدهای مورد نیاز او بود. دسترسی این پایتخت به راه‌های تجاری مهم، در رشد اقتصادی آن در عصر عضدالدوله تأثیر فراوان داشت. مهم‌ترین این راه‌ها، راه تجاری شیراز به سیراف بود که شیراز را به آب‌های آزاد خلیج فارس و مناطق تجاری مهمی چون هند و چین متصل می‌نمود و در رشد و شکوفایی اقتصادی شیراز بسیار مؤثر بود. این امر به نوبه خود، در جذب جمعیت فراوان به این پایتخت تأثیرگذار بوده است. موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی شیراز در میان ایالت فارس نیز، در تثبیت حاکمیت و اقتدار عضدالدوله و در نتیجه، در انتخاب شیراز به پایتختی مؤثر بوده است.

سیف‌الدوله نیز حلب را از آن رو به پایتختی برگزید که بتواند ضمن استفاده از بار معنوی و باستانی شهر حلب، به عنوان شهری بسیار مهم در شمال شام، از حمایت‌های معنوی زرتشتیان ساکن در این شهر، در جهت اجرای مقاصد فرهنگی آل بویه بر مبنای احیای آداب و رسوم ایرانی استفاده کند. با توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر شیراز، در قرن چهارم هجری قمری و نیازها و اهداف آل بویه، در کسب مقبولیت عام و احیای سلطنت ایران باستان که در متن مقاله به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد عضدالدوله، به عنوان بزرگترین حکمران آل بویه، چاره‌ای جز گزینش شیراز به پایتختی نداشت. براین اساس، هیچ شهر دیگری در حوزه قلمرو عضدالدوله نمی‌توانست مناسب‌تر از شیراز برای پاسخ‌گویی به مقتضیات و نیازهای فرهنگی و اجتماعی حکومت عضدالدوله دیلمی باشد. در نتیجه می‌توان عامل گروه ملی مسلط و تکیه‌گاه فرهنگی حکومت را از عوامل اصلی تأثیرگذار در این انتخاب دانست. ویژگی‌های جغرافیایی، سوق‌الجیشی و طبیعی شیراز نیز گام مهمی در جهت رسیدن عضدالدوله به اقتدار حاکمیت و بسط و توسعه مرزهای قلمرو و گسترش حوزه نفوذی او در مناطق مهم پیرامونی قلمرو خود، چون بغداد پایتخت خلافت عباسی و دیگر مناطق به شمار می‌رفت و به لحاظ اقتصادی منبع مهمی برای کسب درآمدهای مورد نیاز او بود. دسترسی این پایتخت به راه‌های تجاری مهم، در رشد اقتصادی آن در عصر عضدالدوله تأثیر فراوان داشت. مهم‌ترین این راه‌ها، راه تجاری شیراز به سیراف بود که شیراز را به آب‌های آزاد خلیج فارس و مناطق تجاری مهمی چون هند و چین متصل می‌نمود و در رشد و شکوفایی اقتصادی شیراز بسیار مؤثر بود. این امر به نوبه خود، در جذب جمعیت فراوان به این پایتخت تأثیرگذار بوده است. موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی شیراز در میان ایالت فارس نیز، در تثبیت حاکمیت و اقتدار عضدالدوله و در نتیجه، در انتخاب شیراز به پایتختی مؤثر بوده است.

نتیجه آنکه، عوامل انتخاب حلب به پایتختی سیف‌الدوله، جز در دو مورد موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی شیراز و موقعیت استراتژیک و دفاعی حلب، به عوامل انتخاب شیراز به پایتختی عضدالدوله دیلمی بسیار شباهت داشت.

شباهت‌های عوامل مؤثر در مکان‌گزینی این دو پایتخت، اهمیت یکسان آنها در تمدن اسلامی قرن

حمایت‌های معنوی زرتشتیان ساکن در این شهر، در جهت اجرای مقاصد فرهنگی آل بویه بر مبنای احیای آداب و رسوم ایرانی استفاده کند. با توجه به فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر شیراز، در قرن چهارم هجری قمری و نیازها و اهداف آل بویه، در کسب مقبولیت عام و احیای سلطنت ایران باستان که در متن مقاله به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد عضدالدوله، به عنوان بزرگترین حکمران آل بویه، چاره‌ای جز گزینش شیراز به پایتختی نداشت. براین اساس، هیچ شهر دیگری در حوزه قلمرو عضدالدوله نمی‌توانست مناسب‌تر از شیراز برای پاسخ‌گویی به مقتضیات و نیازهای فرهنگی و اجتماعی حکومت عضدالدوله دیلمی باشد. در نتیجه می‌توان عامل گروه ملی مسلط و تکیه‌گاه فرهنگی حکومت را از عوامل اصلی تأثیرگذار در این انتخاب دانست. ویژگی‌های جغرافیایی، سوق‌الجیشی و طبیعی شیراز نیز گام مهمی در جهت رسیدن عضدالدوله به اقتدار حاکمیت و بسط و توسعه مرزهای قلمرو و گسترش حوزه نفوذی او در مناطق مهم پیرامونی قلمرو خود، چون بغداد پایتخت خلافت عباسی و دیگر مناطق به شمار می‌رفت و به لحاظ اقتصادی منبع مهمی برای کسب درآمدهای مورد نیاز او بود. دسترسی این پایتخت به راه‌های تجاری مهم، در رشد اقتصادی آن در عصر عضدالدوله تأثیر فراوان داشت. مهم‌ترین این راه‌ها، راه تجاری شیراز به سیراف بود که شیراز را به آب‌های آزاد خلیج فارس و مناطق تجاری مهمی چون هند و چین متصل می‌نمود و در رشد و شکوفایی اقتصادی شیراز بسیار مؤثر بود. این امر به نوبه خود، در جذب جمعیت فراوان به این پایتخت تأثیرگذار بوده است. موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی شیراز در میان ایالت فارس نیز، در تثبیت حاکمیت و اقتدار عضدالدوله و در نتیجه، در انتخاب شیراز به پایتختی مؤثر بوده است.

سیف‌الدوله نیز حلب را از آن رو به پایتختی برگزید که بتواند ضمن استفاده از بار معنوی و باستانی شهر حلب، به عنوان شهری بسیار مهم در شمال شام، از

فی تمییز الصحابه. تحقیق عادل احمد الموجد و علی محمد معوض. ط الاولى. بیروت: دارالکتب العلمیه.

احمدی پور، زهرا. قلی‌زاده، علی‌ولی (۱۳۸۶). «تیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال سوم. شماره سوم.

احمدی پور، زهرا، قلی‌زاده، علی‌ولی (۱۳۹۰). مبانی جغرافیایی - سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران، مشهد: پاپلی.

ادریسی، محمد بن ادیس (۱۴۰۹ق). نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق. چاپ اول. بیروت: عالم الکتب.

اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷م). مسالک الممالک. محقق / مصحح: ابوزید احمد بن سهل. بیروت: دارصادر.

البکری، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۹۹۲م). المسالک و الممالک. مصحح: آدریان فان لیوفن و آندری فیری. بیروت: دارالغرب الاسلامی.

بلعمی، ابوعلی محمد (۱۳۴۱). تاریخ بلعمی. تصحیح محمدتقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.

چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۰). تاریخ فاطمیان و حمدانیان. تهران: سمت.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۷۵): جغرافیای حافظ ابرو. تصحیح صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.

حافظانیا، محمدرضا (۱۳۹۳). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ چهارم. مشهد: پاپلی.

حدودالعالم من المشرق الی المغرب (مؤلف ناشناخته) (۱۴۲۳ق). تصحیح: یوسف الهادی. قاهره: دارالثقافیه للنشر.

خسرو بیگی، هوشنگ، جلیلیان، قهرمان (۱۳۹۲). «نقش آل بویه در تعمیق فرهنگ شیعی (مطالعه موردی: آداب و رسوم مذهبی)». پژوهش‌نامه تاریخ. سال هشتم. شماره سی.

خسروبیگی، هوشنگ، ساجدی، عبدالله (۱۳۹۴). «بنیان‌های مشروعیت حکومت صفاریان سیستان». پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران. سال سوم. شماره دوم.

رامهرمزی، بزرگ بن شهريار (۱۳۴۸). عجایب هند. ترجمه محمد ملک‌زاده. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

زرکوب شیرازی، احمد بن ابی‌الخیر (۱۳۸۹). شیرازنامه. به کوشش محمدجواد جدی و احسان الله شکراللهی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».

چهارم هجری را در پی نداشت. شیراز در عصر عضدالدوله، علاوه بر آنکه از جمله مهم‌ترین کانون‌های تجاری و اقتصادی و فرهنگی قلمرو خلافت عباسی به شمار می‌رفت، در معادلات سیاسی خلافت عباسی نیز پایتخت بسیار مهمی تلقی می‌شد که حکمرانی شیعه از این پایتخت خط مشی این خلافت را به میل خود رقم می‌زد. بدین لحاظ، علاوه بر برخورداری از اهمیت سیاسی و اقتصادی، شیراز در عصر عضدالدوله، پایتخت مذهبی درخور توجهی نیز به شمار می‌رفت. حال آنکه حلب پایتختی استراتژیک به شمار می‌رفت که در عصر سیف‌الدوله، در معادلات نظامی میان خلافت عباسی و امپراتوری روم نقش غیرقابل انکاری را در جلوگیری از دستبرد رومیان به مرزها و سرزمین‌های مهم قلمرو اسلامی ایفا نمود.

منابع

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). الکامل (کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران). ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ابن العدیم، عمر بن احمد (بی‌تا). بغیة‌الطلب فی تاریخ حلب. محقق / مصحح: سهیل زکار. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.

ابن بطوطه (۱۳۶۱). سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.

ابن بلخی (۱۳۷۴). فارسنامه. براساس متن مصحح لسترنج و نیکلسون. توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸م). صورة‌الارض. چاپ دوم. بیروت: دار صادر.

ابن خردادبه (۱۸۸۹م). المسالک و الممالک، ترجمه سعید خاکرند. بیروت: دار صادر.

ابن رسته، احمد بن عمر (۱۸۹۲م). الاعلاق النفیسه. چاپ اول. بیروت: دار صادر.

ابن مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۶). تجارب‌الامم. به کوشش علی‌نقی منزوی. تهران: توس.

ابن الفقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). البلدان. محقق / مصحح: یوسف الهادی. بیروت: عالم الکتب.

ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵/۱۹۹۵). الاصابه

معزی، مریم (۱۳۹۰). *پیشگامان حکومت‌های شیعی تاریخ حمدانیان و فاطمیان*. چاپ اول. تهران: سمت.
مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علی‌نقی منزوی. چاپ اول. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
مؤسسه دایرة المعارف الفقه الاسلامی. *دانشنامه جهان اسلام*. ج ۱.

ناصرخسرو قبادیانی مروزی (۱۳۸۹). *سفرنامه*. تصحیح محمد دبیرسیاقی. چاپ دهم. تهران: زوار.
یاقوت حموی (۱۳۸۰). *معجم البلدان*. ترجمه علی‌نقی منزوی. چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

زرین‌کوب، عبدالحسین و دیگران (۱۳۸۱). *تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان*. پژوهش دانشگاه کمبریج. گردآورنده: ر. ن. فرای. ترجمه حسن انوشه. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر (بی‌تا). *بستان السیاحه*. چاپ اول. تهران: سنایی.
طباخ، محمدرغاب (۱۴۰۸ق). *اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء*. چاپ دوم. حلب: دارالقلم العربی.
طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ پنجم. تهران: اساطیر.
قدامة بن جعفر (۱۳۷۰). *الخراج*. ترجمه حسین قره‌چانلو. چاپ اول. تهران: البرز.
قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). *آثارالبلاد و اخبار العباد*. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
کردعلی، محمد (۱۴۰۳ق). *خطط الشام*. چاپ سوم. بیروت: مکتبه النوری.
الموردی، ابی‌الحسن علی بن محمد (۱۴۰۶ق). *الاحکام السلطانیة*. الطبعه الثانیة. قاهره (افست قم): مکتب الاعلام الاسلامی.